

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران پیکار پنجاه و هفت ساله حزب توده ها برای استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی

هم میهنان گرامی

با فرا رسیدن دهم مهرماه، پنجاه و هفت سال از تأسیس حزب توده ایران، کهن ترین سازمان سیاسی میهن ما، حزب کارگران و زحمتکشان، می گذرد. پنجاه و هفت سال است که توده ای ها، با وجود تحمل دشواری های فراوان، زندان، شکنجه و اعدام، در راه آرمان های والا و انسانی توده های کار و زحمت پیکار کرده اند و بر خود می بالند که توانسته اند نقش مؤثری در طرح و پیشبرد اندیشه های مترقی و دورانساز در میهن ما داشته باشند. رزم بی امان و آشتی ناپذیر با ارتجاع، استعمار، و استعمارگران؛ مبارزه در راه برسمیت شناختن حقوق کارگران و دهقانان، از جمله تصویب نخستین قانون کار در

ایران؛ پیکار برای دستیابی زنان به حقوق برابر، از جمله حق رأی؛ تلاش برای بهبود زندگی جوانان و نوجوانان، از جمله آموزش و تحصیلات رایگان؛ مبارزه برای کسب حق خودمختاری خلق ها، در جارجوب ایرانی آزاد و دموکراتیک؛ اشاعه علم، فرهنگ و ادب مترقی، از جمله خدماتی است که حزب توده ایران توانسته است در طول حیات طولانی و پرفراز و نشیب خود، با وجود یورش های غدارانه ارتجاع و امپریالیسم، انجام دهد و چندین نسل از کارگران و دهقانان آگاه و مبارز و روشنفکران انقلابی را در

ادامه در صفحه ۴



شماره ۵۴۱، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۷ مهرماه ۱۳۷۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ضرورت سازماندهی مقاومت توده ای، در مقابل یورش ارتجاع

توطئه سهمگینی برای سرکوب نهضت آزادی خواهی مردم میهن ما در حال اجرا است. از یک سو سران ارتجاع، حامیان چماقداری، سرکوب و تحمیل استبداد قرون وسطایی، از نوع طالبان، بر طبل جنگ می کوبند و با تحریک احساسات ملی و میهنی مردم شرایط را برای یک درگیری نظامی فاجعه بار در مرزهای شرقی ایران آماده می کنند، و از سوی دیگر، همزمان با اعلام وضع غیر عادی، سرکوب نهضت آزادی خواهی در کشور، با یورش به روزنامه های مستقل آغاز شده است. هدف، همان «گردن زدن» و «زبان بریدن» مخالفان است.

سخنان تهدید آمیز سید علی خامنه ای، ولی فقیه، بر ضد روزنامه های مستقل، و انتقاد شدید او از بی عملی مسئولان، خصوصاً دولت خاتمی، در حضور فرماندهان نیروهای سرکوبگر، در واقع صدور دستور حمله به جنبش مردمی، از سوی رهبری جمهوری اسلامی بود. سید علی خامنه ای، در این سخنان، ضمن تأکید بر این امر که، برای او و همفکرانش عکس العمل جهانی در مقابل سرکوب جنبش، کوچک ترین اهمیتی ندارد، اعلام کرد که اجازه نخواهد داد باورهای دینی مردم و پایه های «نظام» با یورش فرهنگی

ادامه در صفحه ۲



دیداری دوباره، در
سالروز حزب، با به خون
خفتگان توده ای؛
رهروان طریق توده ها،
که شبانه به پیشواز
آفتاب رفتند
در صفحه ۳

حزب توده ایران و
جنبش کارگری
ایران!
در صفحه ۵

حزب توده ایران و
■ پیکار زنان در راه
آزادی و برابری حقوق
اجتماعی و اقتصادی
در ص ۶
■ سازماندهی جوانان و
دانشجویان در ص ۷
■ روشنفکران،
نویسندگان، شاعران و
هنرمندان در ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه ضرورت سازماندهی جنبش توده ای ...

نیروهای مخالف، سست گردد.

یورش مأموران دادگاه انقلاب و دستگیری مسئول و کارمندان روزنامه توس، چند ساعت پس از این سخنان تهدید آمیز، به جرم «اقدام علیه امنیت ملی و نظام اسلامی»، نشانگر تدارک از پیش این توطئه توسط نیروهای ارتجاعی و سرکوبگر است. در روزهای اخیر، در راستای همین توطئه، کارزار وسیعی توسط دستگاه های تبلیغاتی رژیم، از جمله صدا و سیما و روزنامه های مزدوری مانند «رسالت»، «جمهوری اسلامی» و «کیهان»، بر ضد «زیاده روی در آزادی ها» و «سوء استفاده از آن، به راه افتاده است، و انواع و اقسام نهاد ها و شخصیت ها، از جمله سپاه پاسداران، «علما»، «روحانیون»، «حوزه های علمیه» و انجمن های چماق داری «حزب الهی - اسلامی»، در نهادهای مختلف، حمایت خود را از این اعمال سرکوبگرانه، اعلام کرده اند. هدف این کارزار حساب شده، خلع سلاح، تهدید، ارعاب و اادار به تسلیم جنبش مردمی است، جنبش بیست میلیونی ثی که در دوم خرداد بر ضد «ولایت فقیه» رأی داد، و خواهان استقرار آزادی و عدالت اجتماعی شد. ارتجاع، در سیمای «ولی فقیه» و نهادهای زیر نظارت او، با استفاده از تجربه های پیشین خود، می خواهد با بهره جویی از «نعمت» جنگ و اعلام وضعیت فوق العاده، مستقیماً اداره اوضاع کشور را به دست گیرد و دولت را در صورتی که حاضر به همکاری همه جانبه با وی نباشد، عملاً کنار گذاشته، و با سرکوب وسیع جنبش، شرایط را برای ادامه رژیم «ولایت فقیه» که پایه های آن، از سال گذشته، با اوج گیری جنبش، بشدت متزلزل شده است، استحکام بخشد. بخش دیگر این توطئه، برگزاری بی سروصدا و مطلوب «انتخابات» مجلس خبرگان، بر اساس پاکسازی وسیع نیروهای جناح های دیگر و تأمین موقعیت خامنه ای به عنوان «ولی فقیه» برای سالهای آینده است.

حزب توده ایران، در ماه های اخیر، بارها پیرامون خطر یورش ارتجاع به جنبش مردمی، هشدار داده است. ما بارها بر این موضوع تأکید کرده ایم، و تکرار می کنیم که، رژیم «ولایت فقیه»، یعنی استبداد قرون وسطایی حاکم، نه تنها با آزادی، عدالت اجتماعی هیچ همخوانی ندارد، بلکه در تضاد آشکار و آشتی ناپذیری با آن است. تجربه یک سال گذشته، و مقاومت همه جانبه ارتجاع در مقابل هر حرکت اصلاح طلبانه ثی، هرچند کوچک، موبد این نظر ماست.

مردم مبارز و آزادی خواه ایران!

تنها راه مقابله مؤثر با توطئه ارتجاع، مقاومت یکپارچه، هماهنگ، و سازماندهی جنبش مردمی است. مخالفت با جنگ و جنگ طلبی سران رژیم، اعتراض به موج سرکوب و دستگیری ها، و سازماندهی اعتراض های توده ای از جمله گام های مؤثری است که می تواند نقشه های توطئه آمیز ارتجاع را نقش بر آب کند. جنبش عظیم دوم خرداد، و شکست تاریخی رژیم «ولایت فقیه»، نشان داد که صفوف منسجم و متحد توده های خلق توان رویارویی جدی با ارتجاع و نیروهای وابسته به آن را دارد. نباید اجازه داد ارتجاع با سرکوب جنبش، حکومت استبدادی قرون وسطایی، از نوع طالبان، را بر مین ما تحمیل کند. اوضاع بشدت حساس و بحرانی کشور، هشاری، حرکت آگاهانه و مسئولانه نیروهای مترقی، آزادی خواه و جنبش مردمی را طلب می کند. تنها با سازماندهی جنبش مردمی است که می توان توطئه ارتجاع حاکم را در هم شکست.

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۷ شهریور ماه ۱۳۷۷

ادامه حزب توده ایران و جنبش کارگری ...

بوده است، کارشناسان اقتصادی وابسته به دولت خود معترفند که رشد بیکاری در صورتی که نرخ رشد از ۷ درصد پایین تر باشد، فاجعه بار خواهد بود. کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی، معتقد است که «برای رفع معضل بیکاری باید هر ساله یک میلیون موقعیت شغلی ایجاد شود» و این در حالی است که در بین سالهای ۷۰-۷۵ تعداد مشاغل ایجاد شده، بطور متوسط، ۲۹۵ هزار بوده است. دولت عملاً از زیر بار مسئولیت خود در قبال اشتغال فرار کرده است، وزیر کار در ۱۰ شهریور اعلام می کند: «وزارت کار مسئول ایجاد اشتغال نیست.» محافل سرمایه داری عقب مانده کشور، که وجود هر گونه قانونی را مانع سود جویی لجام گسیخته خود می دانند، کارزار سازمان یافته ثی را برای الغاء قانون کار آغاز کرده اند. کار فرمایان معتقدند که قانون کار برای بنگاه های اقتصادی مشکل آفرین است. رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، در آخر مرداد ماه، خواستار الغای قانون کار در کارگاه های کوچک شد. علیرضا محجوب، دبیر خانه کارگر، گفت: «اخیراً شایع شده است که کارگاه های تولیدی کمتر از ۱۰ نفر از نظارت قانون کار خارج میشوند.» طبق گفته او، ششصد هزار کارگاه از این نوع در کشور وجود دارد. الغاء قانون کار، کارگران کشور مان را به دوران سال های قبل از جنگ جهانی دوم بر می گرداند که کارگران از هیچ گونه حقوق مدنی و اجتماعی بر خوردار نبودند و کار فرمایان با آنان چون بردگان برخورد می کردند. اوج گیری مبارزات کارگری در ماه های اخیر، در این درک طبقاتی کارگران و زحمتکشان کشور ریشه دارد که برای دستیابی به حقوق مسلم خود، و بهبود شرایط اسفناک کنونی، عمل مستقل و جمعی خود آنان ضرورت حیاتی دارد.

حزب توده ایران، بر اساس مطالعه خواست های بلاواسطه و اساسی زحمتکشان، و ارزیابی دامنه اعتراضات کارگری، بر این باور است که کارگران آگاه و مبارزان عرصه کارگری می باید به موازات ادامه افشاه گری و پاشیدن بذر آگاهی انقلابی، و استفاده ضرور از تشکل های قانونی موجود تشکیل سازمان های صنفی مستقل طبقه کارگر را در دستور کار خود قرار دهند. اقدام آگاهانه اخیر معلمان مدارس به تشکیل کانون معلمان تهران را باید قدمی مثبت و آگاهانه در این جهت قلمداد کرد. گرچه این ابتکار با مداخله مسئولان دولتی و سوق دادن آن به نهاد نیمه دولتی «خانه معلمان تهران»، به یکی از اهداف عمده خود، یعنی تشکیل یک نهاد صنفی مستقل از دولت، دست نیافت، ولی، این اقدام را باید آغازی با اهمیت در راستای خواست های عمده کارگران و کارمندان دانست.

رشد جنبش اعتراضی طبقه کارگر در ماه های اخیر، بازتاب این حقیقت تاریخی است که، هیچ سرکوبی و سلب حقوقی، به جلوگیری همیشگی از روئیدن بذر آگاهی دهنده ثی که حزب ما در طول دهه ها در جامعه افشانه است، قادر نخواهد بود. حزب توده ایران بار دیگر این اعتقاد تاریخی خود را تکرار می کند که هیچ گونه تحول پایه ثی در جامعه ایران، و از جمله دستیابی به آزادی، عدالت اجتماعی دموکراسی و احترام به حقوق بشر بدون شرکت مؤثر طبقه کارگر، ممکن نخواهد بود.

ادامه روشنفکران، شاعران، نویسندگان ...

حزب توده ایران مبشر آرزو و امید به جهانی بهتر و عادلانه تر بود. حزب، پیام آور آینده ثی با چشم انداز نوید بخش پایان محرومیت ها و آلام همه انسان ها و توده های محروم، و رهائی آنان از بند استبداد، سلطه استعمار و سرمایه بود. جانمایه اندیشه های حزب، روح روشنفکران و هنرمندان انسان دوست میهن ما را از توان و نیروی مبارزه جو، سرشار ساخت. چهره های برجسته ثی از شاعران، نویسندگان، مترجمان، محققان، هنرمندان تئاتر و سینما، خلاقان عرصه موسیقی، نقاشان، روشنفکران، اندیشمندان، مدرسان فداکار، از مدارس ابتدائی تا دانشگاه ها، در میان توده ثی ها شکل گرفت که تا به امروز، نام آنها موجب افتخار کشور ماست. نفرت و هراس دشمنان مردم، واپسگرایان فکری و اجتماعی، فناتیک های ورشکسته، کوچک ابدال های استعمار و استبداد، سنگواره های عرصه سیاست و هنر و ادبیات رسمی و عقیم، از حزب توده ایران، از میان دلایل گوناگون، یکی نیز بسبب حضور چنین خلاقانی در صفوف یا در کنار حزب است، و صرف نظر از گستگی و پیوستگی این بزرگان اندیشه و هنر و خدمتگزاران صمیمی عرصه حیات معنوی مردم ما با حزب توده ایران، به همان شدت گذشته، مورد خصومت و آزار و تعقیب متولیان امامزاده های بی معجز واپسگرایی و تجراند.

امروز، پس از گذشت پنجاه و هفت سال از تأسیس حزب توده ایران، با وجود فراز و نشیب ها، افت و خیزها، شکست ها و پیروزی های تاریخی، چه در عرصه میهن بلا کشیده و همچنان در بند استبداد قرون وسطایی رژیم «ولایت فقیه» و چه در عرصه جهانی، حزب، استوار بر سر پیمان خود با مردم است و به آرمان های انسانی و آزادی خواهانه ثی که بسیاری از روشنفکران، شاعران، نویسندگان، هنرمندان و اساتید میهن پرست و مردم دوست و صدیق، توده ثی و غیر توده ثی، در راه تحقق آنها رنج بردند، پیکار کردند و به زندگی مشقت بار، زندان و مرگ در میدان های اعدام محکوم شدند، وفادار است. سخن کوتاه، روشنفکران و هنرمندان اصیل، با جهان بینی های گونه گون، همواره و در همه اعصار، آرمانی حقیقت جو و عدالت طلب داشته اند که در غایت رو سوی سعادت انسان ها داشته است، و این جانمایه مشترک در اثر یک هنرمند اصیل و در فعالیت اجتماعی یک توده ثی اصیل بوده است با دو نقطه عزیمت متفاوت، اما در یک راستا، یعنی بزرگ راه خیر خواهی انسانی و سعادت مردم میهن رنج کشیده مان.

دیداری دوباره، در سالروز حزب، با به خون خفتگان توده ای: رهروان طریق توده ها، که شبانه به پیشواز آفتاب رفتند

«برای هر ستاره که ناگهان
در آسمان غروب می کند
دلم هزار پاره است
دل هزار پاره را
خیال آنکه آسمان
- همیشه و هنوز -
پراز ستاره است،
چاره است.» محمد زهری

رفیق سرهنگ سیامک در سحرگاه ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳، همراه با دیگر رفقا، در نخستین گروه افسران توده ای، به جوخه های اعدام سپرده می شوند؛ رفیق سیامک در نامه ئی به خانواده اش نوشت: «سر بلند باشید که در راه آرمان و عقیده ام که اصلاح کشور و سعادت مردم است، فدا می شوم.» رفیق خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران، در ۱۵ تیرماه ۱۳۳۶ دستگیر می شود، قهرمانان زیر شکنجه های قرون وسطایی مقاومت می کنند، و در بیدادگاه شاهنشاهی، که برای محکوم و نابود کردنش تدارک دیده بودند، فریاد بر می آورد: «من به اقتضای آتشی که به خاطر خدمت به خلق های ایران در درون سینه ام شعله می کشد، راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تاروپود وجودم، این راه را راه مقدسی شمرده است و تمام سلول های بدن من و تمام ذرات وجودم توده ای است.» رفیق روزبه، روز دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۷، در میدان تیر، اجازه نمی دهد دژخیمان چشمانش را ببندند و خود به جوخه اعدام فرمان آتش می دهد: «مرگ بر شاه. زنده باد حزب توده ایران». گلوله هایی که بر سینه شهید خلق، روزبه، به گل می نشیند، او را جاودانه می کند و صدایش را در گستره جهان منتشر می سازد. رفیق روزبه فسانه می شود. در مرگ روزبه، تمام ایران می گرید.

«من می گریم و دریا

هم چنان

موج بر موج می کوبد» سیاوش کسرای

شکنجه گر به رفیق تیزیابی می گوید: «زیر دست های من عاقبت نرم خواهی شد.» هوشنگ پاسخ می دهد: «ولی اگر نتوانی زبانم را باز کنی؟» و آنگاه پرچم سرخی در باد تکان می خورد... دژخیم پریشان و کوفته بر زمین می افتد و هوشنگ با لبخندی به عظمت انسانیت، به خاموشی می رود و پیام آور آزادی و رهایی خلق می گردد.

رفیق محمد بهرامی نژاد، در سوم اسفند ماه ۱۳۶۲ اعدام می شود. از عمرش پنج روز بیشتر نمانده که بابک فرزند خردسال و همسرش را در زندان و ازبشت شیشه ها ملاقات می کند. میان آنها، دیوار ارتجاع «ولایت فقیهی» است. آخرین نگاه پرمعنا و آنگاه:

«عشقم بزرگ بود به دیدارتان ولی عشقی دگر ربود مرا، از کنار تان»

تاریخ ورق می خورد، راه وارطان ها، کوچک شوشتری ها، حکمت جوها و تیزیابی ها را کی منش ها، مهرگان ها، سمین فردین ها و نیک آتین ها ادامه می دهند و دربی سیامک ها، مبشری ها، مختاری ها، کیوان ها و نسل اولین افسران قهرمان توده ای، افضل ها، کبیری ها، آذرفرها و عطاریان ها می آیند.

«راه همان است که ما رفتیم»

رفیق قهرمان، حیدر مهرگان (رحمان هاتفی)، پس از تحمل ماه ها شکنجه های ددمنشانه و طاقت فرسای رژیم جنایتکار «ولایت فقیه» در واپسین لحظه های آزمون وفاداری و شرف، سر بلند و پیروز، هنگامیکه قامت خرده شده اش را دیگر بار به شکنجه گاه می بردند، با خون بردیوار سلول اش می نویسد: «راه همان است که ما رفتیم». رفقای شهید ما، انسان های شریف، فروتن و جان نثاران راستین مردم، و وفاداران به آرمان های والا و انسانی حزب توده ای خود اند. «پروتمه» های زمانه که، آتش آزادی، دانش و عدالت را با نثار جان شیفته خود برای مردمان هدیه آورند. اینک در پایان، با سخنان انسان فرزانه و مبارز راستینی که او را شکنجه ها کردند تا گالیله وار دست از عقایدش بردارد، و سرانجام در بهار ۱۳۶۸، پس از نوعی دیگر از شکنجه های اهریمنی در خارج از حصارهای زندان، «کوچه زمان را به پایان می رساند».

«بگذارد تا در برابر یاران پیمان تازه کنیم

که: دوست را و دشمن را

گذشته و آینده را، از یاد نبریم!

آزادی را در نیمه راه به زور یا فریب نفروسیم

و از رزمی به رزمی و از ستیفی به ستیفی، تا پایان برویم

و با ساروج اتحاد، خانه خلق را محکم کنیم

تا کودک آرزو، در زیر آوار جان نسپرد

و دیوگریخته از روزن غفلت به درون نخزد

آری، آغاز کردن دشوار است و به پایان رساندن دشوار تر» احسان طبری

سپیده دمان دهم مهرماه امسال، درست پنجاه و هفت سال از تأسیس حزب توده ای ما، حزب توده ایران، می گذرد. از مبارزه قهرمانانه و بی امان توده ای ها با قدرت های اهریمنی داخلی و سرمایه داری جهانخوار جهانی، پنجاه و هفت سال می گذرد، پنجاه و هفت سال زندان، شکنجه، تبعید و در خون تبیدن شهیدان راه آزادی. تاریخ حزب توده ایران با خون و آتش نگاشته شده است. هر صفحه آن نشانگر وطن دوستی، مردم دوستی، بی باکی و از جان گذشتگی تحسین آمیز کسانی است که صادقانه به دفاع از خلق برخاسته اند. در تاریخ مبارزه خلق ها، قهرمانان جاویدی به عرصه می آیند که در بیکار مقدس خود، برای آرمان های خلق، پیوسته بر مردم تکیه دارند. این قهرمانان که به مظهر رنج و بیکار و امید خلق خود بدل می شوند، با هر آنچه اهریمنی است به ستیزه بر می خیزند، و در لحظه هائی که شهادت یک تن، به پایداری جنبش یک خلق تداوم می بخشد، جان خویش را بی محابا، ایثار می کنند. نیروهای ارتجاعی ایران و امپریالیست های حامی آنان، همواره برای تحقق نقشه های تبه کارانه و استثمارگرانه شان، در نخستین گام های سرکوب و کشتار، از میان برداشتن این چنین انسان های وفادار به آرمان مردمی و انقلابی را در سرلوحه برنامه های ضد انسانی و ددمنشانه خود قرار می دهند. با همین اهداف رذیلانه بود، که رفیق دکتر تقی ارانی، انسان والای انقلابی، کمونیست مبارز، را دوستاقبایان رضا خانی، در هفدهم اردیبهشت ۱۳۱۶ دستگیر کرده، به زندان انداختند و سپس به بیدادگاه کشاندند. رفیق ارانی، در دفاعیه شش ساعته اش، در بیدادگاه، با شهادت و استواری، نه تنها داغ ننگ و رسوایی بر رژیم خودکامه و مزدور پهلوی زد، بلکه به دفاعی جانانه از اندیشه های سوسیالیسم پرداخت. رفیق ارانی در چهاردهم بهمن ماه ۱۳۱۸، پس از تحمل مرارت ها و شکنجه های جانفرسا، اسطوره وار، در زندان رضا خانی، به شهادت رسید.

«دمی خاموش! اینک بانگ هایی می رسد، ایدر

سرودی گرم می خوانند یارانی که با حیدر

سوی بیکار پویانند. بشنو در ضمیر خود

نوی جاودانی ارانی را که می گوید:

(به راه زندگی، از زندگی بایست بگذشتن)» احسان طبری

مبارزه ای که ادامه دارد ...

مبارزه توده ای ها پنجاه و هفت سال است که ادامه یافته است: زندان ها، شکنجه ها، جوخه های آتش، طناب های دار، شعارها و سرودهای مردمی و میهنی در لحظه های تیرباران؛ کشتار کارگران در شهر شاهی؛ قیام و گلوله باران افسران آزادی خواه قیام خراسان و تهران (۱۳۲۴)؛ کشتار کارگران اعتصابی نفت خوزستان (۲۳ تیرماه ۱۳۲۵)؛ سرکوب خونین جنبش دموکراتیک آذربایجان و کردستان (۱۳۲۵)؛ کشتارهای ۲۳ تیر ۱۳۳۰ و ۸ فروردین ۱۳۳۱ و ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱؛ کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و زندان، شکنجه و کشتار دوباره؛ شهادت دانشجویان دانشکده فنی تهران در ۱۶ آذر ۱۳۳۲؛ کشتار زندانیان سیاسی رشت در اردیبهشت ۱۳۳۳ و سپس ... زندان، شکنجه و اعدام رهروان راستین طریق توده ها: از سیامک ها و مبشری ها، تا کوچک شوشتری ها، وارطان ها، مرتضی کیوان ها، حکمت جوها و تیزیابی ها. تاریخ ورق می خورد. دژخیمان نوبت عوض می کنند. پس از رژیم منفور پهلوی نوبت به رژیم جنایتکار «ولایت فقیه» و جلاد اوین، لاجوردی سفاک، می رسد، و آنگاه فاجعه ملی و کشتارهای جمعی صدها و صدها تن توده ای و دیگر قهرمانان راه آزادی:

«هر شب ستاره ای به زمین می کشند و باز

این آسمان غمزده غرق ستارهاست» سیاوش کسرای

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ...

صفوف خود پرورش دهد.

تاریخ پنجاه و هفت سالهٔ حزب تودهٔ ایران، سرگذشت پرشور حزبی ست انقلابی که در سنگرهای گوناگون رزمیده است، زخم‌ها برداشته است، هزاران شهید داده است، ده‌ها هزار سال زندان کشیده است، ولی همچنان پیگیر و استوار، پرچم پرافتخار پیکار طبقه کارگر و زحمتکشان را برافراشته نگاه داشته است. تاریخ پنجاه و هفت سالهٔ حزب تودهٔ ایران، تاریخ پیروزی‌های بزرگ جنبش کارگری، عقب‌گردها و شکست‌های دردناک، و در مجموع بخشی ست جدا ناپذیر از تاریخ غنی و پربرابر مبارزات رهایی بخش خلق‌های میهن ما در شش دههٔ گذشته. از صفحات درخشان این تاریخ، از پیکار توده‌ای‌ها با فاشیسم و استعمار در دهه بیست، حمایت و مبارزه در کنار جنبش خلق‌های آذربایجان و کردستان برای خودمختاری و آزادی، مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت در کنار نهضت ملی ایران در دهه ۳۰، تلاش برای مقابله با کودتای ننگین ۲۸ مرداد، مبارزه برضد رژیم کودتا در دهه‌های چهل و پنجاه، شرکت فعال در انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، و مبارزه با رژیم ضد مردمی و استبدادی «ولایت فقیه» در دهه‌های شصت و هفتاد، می‌توان نمونه آورد. بیپرده نیست که دشمنان مردم ما، همواره در سیمای حزب تودهٔ ایران، خصمی خطرناک و استوار را دیده‌اند که با تمام توان برای نابودی آن تلاش کرده‌اند. رونالد ریگان، رئیس جمهوری آمریکا، حزب تودهٔ ایران را خطری جدی برای منافع غرب در خاورمیانه می‌دید؛ سازمان سیا و اینتلجنس سرویس بریتانیا، کودتای ۲۸ مرداد را برای سرکوب جنبش مردمی و حزب تودهٔ ایران سازماندهی کردند؛ دستگاه پلیس شاه، ساواک، توده‌ای‌ها را مهم‌ترین دشمن خود می‌دانست، و سران رژیم «ولایت فقیه» پیروزی در سرکوب حزب تودهٔ ایران، در دهه شصت را، مهم‌تر از پیروزی در جبهه‌های جنگ ایران و عراق ارزیابی می‌کردند.

هم میهنان آگاه و مبارز،

توده‌ای‌ها در شرایطی به استقبال پنجاه و هفتمین سالروز حزبشان می‌روند که، میهن ما در چنگال استبداد قرون وسطایی رژیم «ولایت فقیه» اسیر است، و دوران بسیار دشواری را از سر می‌گذرانند. نزدیک به بیست سال پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، سران رژیم، با خیانت به آرمان‌های مردمی انقلاب، سرکوب خشن و خونین دگراندیشان، و اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های ضد مردمی و ضد ملی، شرایط فاجعه باری را بر میهن ما تحمیل کرده‌اند. میلیون‌ها ایرانی، با وجود تحمل زحمت و مرارت زیاد، توان تأمین وسائل یک زندگی حداقل را برای خود ندارند؛ زنان میهن ما که نقش برجسته و تعیین‌کننده‌ای را در به پیروزی رساندن انقلاب و آزادی میهن از استبداد شاهنشاهی داشتند، این بار در قیدو بندهای اعمال و اندیشه‌های قرون وسطایی سران رژیم اسیر شده‌اند و روزانه باید انواع تحقیرهای غیر انسانی را تحمل کنند؛ جوانان و نوجوانان کشور هیچ چشم انداز روشنی برای آینده خود ندارند.

بیش از یک سال از جنبش دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، که بیست میلیون ایرانی، در یک حرکت تاریخی، انزجار خود را از ادامهٔ رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» اعلام کردند، می‌گذرد. استقرار آزادی و تحقق عدالت اجتماعی، از مهم‌ترین خواست‌های جنبش عظیم مردمی بود که در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ در صحنهٔ مبارزه درخشید. حزب تودهٔ ایران در همان هنگام ضمن اعلام همبستگی، و دفاع از این جنبش مردمی، هشدار داد که سران رژیم «ولایت فقیه» مصمم‌اند اجازه ندهند گامی در راستای تحقق خواست‌های اکثریت مردم برداشته شود. حزب تودهٔ ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود، که نزدیک به هشت سال پیش، در ارزیابی همه‌جانبه‌ئی از اوضاع کشور، به این نتیجه مهم رسید که، رژیم «ولایت فقیه» مهم‌ترین سد راه هرگونه حرکت و پیشرفتی به سمت استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در ایران است. به گمان حزب تودهٔ ایران، رژیم «ولایت فقیه» که بر پایهٔ دیکتاتوری قرون وسطایی فردی استوار است، و یک فرد، یعنی «ولی فقیه» می‌تواند به ارادهٔ خود تمامی قوانین کشور، از جمله قانون اساسی آنرا زیر پا گذارد و کلیه نهاد‌های انتخابی را منحل کند، نه تنها هیچ همخوانی با آزادی و عدالت ندارد، بلکه در تضاد آشفتنی ناپذیری با آنها قرار دارد. حزب ما در هشت ساله گذشته، در مسیر تحولات و تلاطم‌های گوناگون سیاسی کشور، از روی کار آمدن دولت رفسنجانی و قول‌های دروغ و عوام‌فریبانه‌ئی که او برای برخی اصلاحات داد تا انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، بر این تحلیل علمی پای فشرده است و امروز نیز بر همین تحلیل تأکید می‌ورزد.

فرمان دیکتاتور منشانهٔ اخیر «ولی فقیه» برای یورش به مطبوعات دگراندیش، و در پی آن حملهٔ گزندگان استبداد به روزنامه‌ها و نشریات مستقل، و حتی کارمندان خبرگزاری جمهوری اسلامی، بار دیگر ضدیدت آشکار و آشفتنی ناپذیر این رژیم ضد مردمی را با آزادی و آزاد اندیشی، به نمایش گذاشت. افزون بر این، سران رژیم بار دیگر میهن ما را در آستانهٔ یک ماجراجویی خطرناک نظامی قرار داده‌اند که می‌تواند

عواقب فاجعه باری برای ایران و منطقه به همراه داشته باشد. وایسگرایان حاکم، با استفاده از تنش‌های نظامی که خود در پدید آوردن آن نقش کوچکی نداشته‌اند، و با کوبیدن بر طبل جنگ، اوضاعی را پدید آورده‌اند که با استفاده از آن بتوانند جنبش اعتراضی روبه رشد اکثریت عظیم مردم را سرکوب کنند. مقابله با این توطئه مستبدان حاکم، نه در چارچوب‌های «قانونی» زیر نظر ارتجاع، بلکه با سازماندهی جنبش توده‌ای حول شعارهای مشخص سیاسی - مبارزاتی امکان پذیر است.

رزمندگان توده‌ای!

حزب توده‌ای ما، در شرایطی به استقبال پنجاه و هفتمین سالروز تولدش می‌رود که، توانسته است با اتکاء به توان و مبارزهٔ خستگی ناپذیر اعضای، هواداران و دوستانش، دوران دشوار یورش ارتجاعی جمهوری اسلامی، و پی‌آمدهای بحران‌های جنبش کمونیستی، در اواخر دهه هشتاد، را پشت سر گذاشته و در بهمن ماه امسال، با برگزاری موفق چهارمین کنگرهٔ خود، توانسته است گام مهمی در راه تقویت سیاسی - تشکیلاتی خود بردارد. در عین حال، توطئه‌های دستگاه سرکوبگر رژیم برضد حزب ما نیز، در سال‌های اخیر، دوچندان شده است. گزندگان رژیم «ولایت فقیه» خوب می‌دانند که با وجود سرکوب خونین حزب تودهٔ ایران، و کشتار صدها توده‌ای، از جمله بخش وسیعی از رهبران و کادرهای برجستهٔ حزب، نتوانسته‌اند به خواست خود، یعنی نابودی حزب تودهٔ ایران، دست یابند. تلاش برای بی اعتبار کردن تاریخ حزب تودهٔ ایران، که بخش بزرگ و مهمی از تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی میهن ماست، تلاش برای انشعاب و چند دستگی در صفوف حزب، پراکندن بذری اعتمادی، ایجاد مراکز مشکوک و زیر نظر وزارت اطلاعات و امنیت، برای پدام انداختن مبارزان توده‌ای، تنها گوشه‌هایی از تلاش رژیم برای وارد آوردن ضربهٔ دیگری به حزب تودهٔ ایران است. انواع و اقسام تاریخ نویسی و خاطرات نویسی‌ها، زیر نظر دستگاه‌های انتشاراتی - امنیتی رژیم جمهوری اسلامی، و انتشار جزوات مشکوک، که آخرین نمونهٔ آن «کتابچهٔ حقیقت»، در مورد حزب تودهٔ ایران و رهبری وقت آن، در زندان رژیم جمهوری اسلامی، است که توسط بازجویان و شکنجه‌گران وزارت اطلاعات رژیم «ولایت فقیه» تنظیم و برای گمراه کردن نسل جوان و خصوصاً توده‌ای‌ها در ابعاد وسیعی در داخل و خارج از کشور انتشار یافته است، از جمله دیگر ترفندهای رژیم برضد حزب تودهٔ ایران است. ما اطمینان داریم که رزمندگان توده‌ای، در داخل و خارج از کشور، با هشیاری تمام توطئه‌های دشمن را خنثی خواهند کرد.

رفقا!

با گسترش مبارزات توده‌ها در درون کشور، و تشدید بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، که رژیم «ولایت فقیه» با آن روبه روست، وظایف نوین و خطیری در مقابل ما قرار گرفته است. امروز بیش از هر زمان دیگری، توده‌های کار و زحمت، خصوصاً کارگران، جوانان، دانشجویان و زنان، آماده‌اند گام‌های بلندی در راه مبارزه با رژیم «ولایت فقیه» بردارند. ضعف عمدهٔ جنبش مردمی، عدم سازمان یافتگی آنست. واقعیات روزمرهٔ زندگی، همگان را به این نتیجه رسانده و می‌رساند که، شعار استقرار آزادی، عدالت اجتماعی و «جامعه مدنی»، در چارچوب رژیم «ولایت فقیه»، امکان پذیر نیست. برای حرکت به سمت تحقق این خواست‌ها، باید مبارزه را دقیقاً در سمت طرد رژیم «ولایت فقیه»، یعنی طرد استبداد و ارتجاع در ایران سوق داد. جنبش دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، نشان داد که صفوف میلیونی و متحد توده‌ها از توان عظیمی برای شکست دادن ارتجاع و نیروهای حامی آن برخوردار است. باید این توان را سازماندهی کرد.

رفقا!

در خجسته سالروز تولد حزبمان، ضمن گرمی داشت خاطرهٔ تابناک شهدای توده‌ای و تمامی شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، با آرمان‌ها و پیکار مقدس این قهرمانان جاوید خلق تجدید عهد می‌کنیم، و این خجسته روز را به همه شما و توده‌های کار و زحمت میهن مان، شادباش می‌گوییم.

فرخنده باد پنجاه و هفتمین سالروز تأسیس حزب تودهٔ ایران!
درد آتشین به خاطرهٔ تابناک و جاودان شهدای توده‌ای و همه شهیدان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!
با هم به سوی تشکیل جبههٔ واحد ضد دیکتاتوری، برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

حزب توده ایران و جنبش کارگری ایران!

صوفوف حزب توده ایران مستقر شده، و مبارزه بی بغرنج را در جهت خواسته های طبقه کارگر، سازمان دادند. نفوذ شعارهای حزب توده ایران درون طبقه کارگر، در این مرحله، نمایشگر پیوند عمیق حزب و این طبقه بود. در دوران پس از تهاجم جنایتکارانه و همه جانبه رژیم به حزب توده ایران، و بررغم سرکوب برنامه ریزی شده و وحشیانه به حزب و تشکل های واقعی کارگران، مبارزه هدفمند برای دستیابی به حقوق کارگران بدون وقفه ادامه داشته است.

سرکوب و خبیثانه و خیانتکارانه تشکل های واقعی و مستقل کارگری و سلب حق تشکل از طبقه کارگر، نتیجه مستقیم خیانت به دستاورد های انقلاب بهمن توسط رهبران رژیم ولایت فقیه بوده است. سیاست های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی رژیم شرایط دشواری را بر زندگی کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده است. پس از گذشت دو دهه از انقلابی که از توان عظیمی برای دگرگونی شرایط اقتصادی کشور برخوردار بود، رئیس قوه مجریه کشور اعلام می دارد که «اقتصاد ما بیمار است و این یک بیماری مزمن است». او بدون اینکه اشاره ای به این داشته باشد که رهبران جمهوری اسلامی در طول این بیست سال پس از انقلاب چه کرده اند، از مردم می خواهد تا «به امید آینده بهتر مشکلات فعلی را تحمل بکنند». خاتمی اذعان دارد که یکی از مهم ترین مسائل که در جلوی دولت قرار دارد مسئله اشتغال و بیکاری است. «مشکل اینست که هیچ نشانه بی دال بر اینکه رهبران دولت و سیاست گذاران کشور، شناختی از راه حل واقعی دارند، در دست نیست. خاتمی در سخنرانی خود «وجود قوانین و مقررات» را بازدارنده سرمایه گذاری در تولید می داند. او به وضوح سیاست دولت را «سیاست خصوصی سازی» و «متمرکز ساختن فعالیت های اساسی دولت در حوزه اعمال حاکمیت و کاستن تصدی دولت» اعلام می کند. رئیس قوه اجرائیه کشور، عملاً نسخه بی را عرضه می کند که از سوی صندوق بین المللی بول تجویز شده است، و در همه کشورهای مشابه مولد بیکاری وسیع و نابودی اقتصادی بوده است.

آنچه برای حزب توده ایران در ارزیابی ماهیت واقعی دولت و ارگانهای حاکم اهمیت دارد، نه شعارهای آنان، بلکه موضع عملی آنان در رابطه با زحمتکشان کشور است، و باید اذعان داشت که با توجه به سیاست های اتخاذ شده از سوی مسئولان اجرائی کشور در این عرصه، نگرانی هائی بس جدی وجود دارد. نمونه مشخص در این رابطه، موضع نماینده دولت ایران است در کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، در خرداد ماه امسال، در جریان بحث پیرامون حقوق اساسی کارگران و پیدا کردن جنبه قانونی پنج منشور اصلی سازمان جهانی کار. نماینده دولت جمهوری اسلامی مخالف تعیین و تعریف دقیق ساختار های نظارت کننده بر اعمال این مصوبه بود. او که می داند سلب حقوق کارگری از سوی رژیم، هر ساله مورد اعتراض محافل بین المللی قرار گرفته است، خواستار این امر بود که در گزارش جهانی، در مورد چگونگی اجرای مصوبات کنفرانس، هیچ اشاره مشخصی به کشوری خاص نباید بشود. او همچنین اصرار می ورزید که منابع اطلاعات گزارش جهانی، فقط به دولت و ساختا های رسمی باید منحصر باشند.

ارزیابی حزب توده ایران، بر پایه رخدادهای عینی و سیاست های اعلام شده دولت، این است که کوشش های هماهنگ و قاطعی از سوی محافل حاکمه برای اعمال نسخه های صادره از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در جریان است. توفیق این کوشش ها مطمئناً عواقب دردناکی برای طبقه کارگر و زحمتکشان کشور در بر خواهد داشت. دولت به جای اتخاذ سیاست های اقتصادی مردمی و اجرای فوری یک سیاست مالیاتی روشن به منظور تامین عدالت اجتماعی، از سویی نظاره گر بی عمل حراج موسسات دولتی به بخش خصوصی بوده، و از سوی دیگر دست کارفرمایان را در پایمال کردن حقوق کارگران کاملاً باز گذاشته است. حقوق زحمتکشان برای ماهها به توقیف می افتد، صد ها کارخانه تعطیل شده و کارگران آنها بیکار می شوند، سوانح کاری غوغا می کند و هیچ گونه کوششی برای گسترش فرهنگ ایمنی در کارگاه ها صورت نمی گیرد. برای حل معضل بیکاری، که طبق آمار دولتی ۱۰ درصد جمعیت فعال را در بر می گیرد، هیچ گونه پیشنهاد عملی ارائه نمی گردد، و به علاوه، شواهد بسیاری وجود دارد که آمار دولتی ناقص و غیر قابل اتکاء اند. در حالی که نرخ رشد کشور در سال قبل ۲/۵ درصد

یکی از برجسته ترین دستاوردهای حزب توده ایران، نقش آن در سازماندهی مبارزات طبقه کارگر کشور، و کار آگاهانه و سازمان یافته در بین زحمتکشان در سراسر پنججاه و هفت سال فعالیت آن است. حزب توده ایران، از دهم مهر ماه ۱۳۲۰، در ادامه سنن پرافتخار حزب کمونیست ایران، مبارزات آگاه ترین بخش های طبقه کارگر کشور را، در حساس ترین لحظات تاریخ معاصر میهن مان، هدایت کرده است. ویژگی این مبارزه، در بینش علمی و انقلابی حزب، و درک حزب از نقش یکنای طبقه کارگر در مبارزه برای استقرار یک جامعه سوسیالیستی، ریشه دارد. آنچه در این رابطه قابل ذکر بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است، اینکه حزب ما در این دوران، دائماً در معرض سرکوب و مورد پی گرد پلیسی قرار داشته است. نه فقط هواداران سوسیالیسم علمی، بلکه حتی دشمنان حزب توده ایران، اذعان دارند که رشد و گسترش جنبش کارگری و سندیکائی عمدتاً محصول مبارزه حزب توده ایران برای تحقق شعارهای کوتاه و دراز مدت طبقه کارگر ایران بوده است. حزب توده ایران در دورانی مبارزه کارگران را برای ایجاد سازمان های صنفی خود سازماندهی کرد که زحمتکشان با فقر سیاه دست و پنجه نرم می کردند و از هر گونه تشکلی محروم بودند. جنبش کارگری کشورمان، تحت رهبری، حزب به دستاوردهای درخشانی نائل شد. با برپائی نخستین سازمان سندیکائی کشور بنام شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران، در سال ۱۳۲۱، و در ادامه این راه، تشکیل شورای مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران در سال ۱۳۲۳، به مشابه سازمان فراگیر جنبش سندیکائی سراسری کشور، از دستاوردهای بزرگ حزب توده ایران و تبلور توفیق مبارزات آن در وحدت جنبش سندیکائی است. بانتشکیل شورای متحده مرکزی، گام بزرگی در راه تامین اهداف سندیکائی کارگران و زحمتکشان ایران برداشته شد. شورای متحده، بررغم فشار های ارتجاع، به بزرگ ترین تشکل کارگری در خاورمیانه تبدیل شد.

نفوذ و اعتبار حزب توده ایران درون طبقه کارگر، مدیون مبارزات طولانی در جهت جامه عمل پوشاندن به تعهدات مشخصی ست که در برنامه حزب، برای تغییر پایه بی جامعه با هدف تحقق خواسته های کارگران و زحمتکشان، مورد تاکید قرار گرفته است. حزب توده ایران، که بر آوردن خواسته های مبرم طبقه کارگر ایران را در مرکز توجه خود قرار داده بود، مبارزات آنان را در جهت تدوین و تصویب قانون کار هدایت کرد. در شرایط دشوار سال ۱۳۲۵، طرح پیشنهادی حزب برای به رسمیت شناختن اتحادیه های کارگری، هشت ساعت کار در روز، مرخصی هفتگی و سالانه برای همه کارگران و کارمندان، مرخصی به مدت شش هفته با استفاده از حقوق برای زنان باردار شاغل، منع کار نونهالان کمتر از ۱۲ سال، تامین اجتماعی برای کارگران و کارمندان بررغم توطئه هائی سازمان یافته امپریالیسم و ارتجاع برای ممانعت از تدوین و تصویب قانون کار، با حمایت و حضور گسترده کارگران کشور، جنبه قانونی یافت.

طبقه کارگر ایران، در سال ۱۳۳۲ در پناه حمایت اولین قانون کار کشور قرار گرفت. در دوران سلطه پلیسی ساواک، حزب توده ایران با حمایت پیگیر از جنبش کارگری، اهمیت و لزوم دفاع از تشکل های صنفی طبقه کارگر و شیوه های پیوند عملی و موثر مبارزات کارگری با کارزار سیاسی بر ضد رژیم شاه، مطرح کرد. حضور فعال بسیاری از هواداران و اعضا حزب توده ایران در اتحادیه های کارگری، و نقش موثر آنان در دوران نضج جنبش اعتصابی، از عوامل عمده پیروزی انقلاب بهمن بود. در دوران پس از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، حزب توده ایران بار دیگر مسئله سازماندهی و تشکل طبقه کارگر را در راس برنامه کار خود قرار داد. مبارزه بغرنج و همه جانبه حزب در حمایت از تصویب یک قانون کار مترقی و دموکراتیک، در اوضاع پیچیده سال های اول انقلاب، از صفحات درخشان فعالیت های حزب توده ایران است.

حزب توانست بررغم جو مختنق حاکم بر جامعه، با بسیج کارگران، تصویب قانون کار را به پرچم مبارزه طبقه کارگر بدل کند. اینکه باوجود تمامی کوشش های محافل ارتجاعی رژیم در دستکاری وسیع در مفاد طرح های مورد درخواست کارگران، قانون کار به تصویب رسید را باید محصول مبارزه آگاهانه طبقه کارگر کشور دانست، که حزب توده ایران نقش برجسته ای در بسیج آن داشته است. در روند رشد، نضج گیری و پیروزی انقلاب بهمن، جمعی از آگاه ترین کارگران و زحمتکشان کشور در

حزب توده ایران و پیکار زنان برای آزادی، و برابری حقوق اجتماعی

زنان، از دیرباز در مناسبات اجتماعی میهن ما نقش مهمی داشته اند. آنان، دوشادوش مردان، و گاه چنانکه در انقلاب بهمن ۵۷ شاهد آن بودیم، در پیشاپیش جنبش، در نبرد برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی شرکت کردند، و نقش مهم و مؤثری را در پیروزی جنبش داشتند.

پیدایش جنبش های اجتماعی زنان، در سده اخیر، به طور عمده با تلاش و مبارزات کمونیست ها در میهن ما پیوندی ناگسستی دارد. از نخستین انجمن های زنان ایرانی، انجمن «پیک سعادت نسوان» است، که در سال ۱۳۰۱ در رشت پایه گذاری شد. این انجمن، با سازماندهی کلاس های مبارزه با بیسوادی، اجرای نمایش های مترقی، تأسیس مدرسه و انتشار مجله ثی بنام «پیک سعادت»، که در آن مقالات اجتماعی و ادبی و ویژه مقاله هائی در پشتیبانی از حقوق زنان منتشر می شد، خدمت بزرگی به آگاهی و روشنگری افکار زنان ایران کرد. این انجمن برای نخستین بار، روز هشتم مارس را به عنوان روز جهانی زن در ایران جشن گرفت. از انجمن های دیگر زنان، جمعیت «نسوان وطنخواه» در تهران بود، که در راه «آزادی میهن و حقوق زنان» بویژه رفع حجاب» مبارزه می کرد. «جمعیت بیداری زنان» (تأسیس ۱۳۰۵) در تهران، نیز با ایجاد کتابخانه، کلاس های مبارزه با بیسوادی و تشکیل گروه تئاتری، شمار زیادی از زنان جوان را با افکار پیشرو و انقلابی توانست آشنا کند. اکثر این انجمن ها و فعالیت ها، در اثر فعالیت های مستقیم و یا غیر مستقیم کمونیست ها در جامعه ما پدید آمدند.

با پایه گذاری حزب توده ایران در دهم مهرماه ۱۳۲۰، مبارزه برای تحقق حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان میهن ما نیز وارد مرحله ثی کیفیتاً نوین شد. در اولین اسناد برنامه ثی حزب توده ایران، موضوع «اصلاح قانون انتخابات و دادن حقوق سیاسی به زنان» (۱۳۲۱)، به عنوان یکی از شعارهای مبارزاتی مهم روز حزب تعیین گردید، و توده ای ها در این راه تمام توان خود را به کار گرفتند. طرح چنین شعاری در اوضاعی بود که، بر اساس قانون مدنی مصوب ۱۳۱۱، زنان در زمره «مهورین» و «نابالغ» به شمار می آمدند. زنان توده ای برای سازماندهی زنان و ایجاد یک جنبش اجتماعی، از همان فرادای تأسیس حزب به فعالیت همه جانبه پرداختند. در سال ۱۳۲۲، به ابتکار زنان توده ای و پیشرو، «تشکیلات دموکراتیک زنان ایران»، با هدف سازماندهی مبارزه زنان، ایجاد گردید. خواست های «تشکیلات دموکراتیک» زنان عبارت بود از تساوی کامل حقوق زن و مرد، بهبود وضع مادی زنان زحمتکش، دستمزد مساوی در مقابل کار مساوی با مردان، بیمه های اجتماعی و مبارزه با فحشاء. تشکیلات دموکراتیک زنان، همچنین در راستای روشنگری زنان، مجله «بیداری ما» را انتشار داد، که نقش برجسته ثی در روشنگری زنان جامعه آن روز ما داشت.

به ابتکار حزب توده ایران، و فراکسیون حزب در مجلس چهاردهم، لایحه ویژه ثی در باره تساوی حقوق زن و مرد، تنظیم و به مجلس آورده شد. جو ارتجاعی حاکم بر مجلس و جامعه، آن چنان بر ضد حقوق زنان بود که در مجلس، بجز نمایندگان توده ای، هیچ کس، بجز سه نماینده، حاضر به دفاع از این لایحه نشد. در همین دوران بود که حکومت ملی آذربایجان، حقوق برابر برای زنان را در حکومت خودمختار برقرار کرد و حکومت خود مختار کردستان نیز این حقوق را به رسمیت شناخت.

در پی یورش به حزب توده ایران در سال ۱۳۲۷، تشکیلات دموکراتیک زنان و جنبش مترقی زنان نیز مورد یورش ارتجاع قرار گرفت. اما زنان آگاه و مبارز ایرانی، دوشادوش مردان در حرکت های گوناگون اعتراضی بر ضد ارتجاع، از جمله تظاهرات تیرماه ۱۳۳۰، مرداد ماه ۱۳۳۲ و دیگر حرکت های مردمی، شرکت فعال داشتند. در اثر همین مبارزات متحد توده های کار و زحمت بود که قانون کار، که در آن دستمزد برابر زن و مرد به رسمیت شناخته شده بود، به تصویب مجلس رسید.

جنبش زنان، پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به مبارزه بر ضد حکومت پلیسی شاه ادامه داد، و زنان بخش مهمی از جنبش رهایی بخش ملی میهن ما را تشکیل دادند. شرکت فعال زنان دانشجو در مبارزات دانشجویی دهه پنجاه، و نقش مؤثر و چشمگیر زنان در انقلاب بهمن ۱۳۵۷، از جمله نمونه های روشن پیکار زنان مبارز و پیشرو ایران در مبارزه بر ضد استبداد و ارتجاع است. با پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، زنان ایرانی نیز امیدوار بودند که پس از دهه ها ستم جنسی و طبقاتی، بتوانند آینده ثی روشن تر را برای خودتدارک ببینند، و بتوانند فعالانه در بازسازی ایرانی آزاد، مستقل و آباد شرکت جویند. این امیدها خیلی زود با اقدامات حاکمیت برآمده از انقلاب، نقش بر آب شد. روحانیون حاکم، اعلام کردند که مصمم اند «قوانین

اسلام» را تمام و کمال به اجراء درآوردند، و زنان می باید بر اساس این قوانین تنها به وظایف «شرعی» «خانه داری»، «بچه داری» و ... مشغول باشند. زنان توده ای، و از جمله تشکیلات دموکراتیک زنان، در زمینه های مختلفی به فعالیت توده ای پرداختند. سازماندهی زنان در کلاس های مختلف، از جمله کلاس های مبارزه با بیسوادی، کلاس های آموزش بهداشت و شرکت وسیع در کمک رسانی به مناطق محروم توانست در کوتاه مدت، بخش های وسیعی از زنان را به تشکیلات دموکراتیک زنان جلب کند، و هراس عمیق ارتجاع را برانگیزد. دیری نپایید که مرتجعان حاکم، یورش همه جانبه ثی بر ضد نیروهای مترقی آغاز کردند. تشکل های مترقی، سازمان های مستقل و مترقی زنان، از جمله تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و ارگان آن «جهان زنان»، مورد یورش واقع شدند و شمار زیادی از فعالین جنبش زنان دستگیر و روانه شکنجه گاه شدند. مبارزه اسطوره ثی زندانیان سیاسی زن، از جمله زندانیان توده ای، از نمونه های درخشان مبارزه بر ضد ارتجاع حاکم است. چهره های درخشانی مانند رفیق شهید سیمین فردین (فاطمه مدرسی)، در زندان که با وجود شکنجه های وحشیانه دژخیمان ارتجاع حاضر نشد ذره ای از اعتقاداتش دست بردارد، از حماسه های جاویدانی است که بی شک در تاریخ مبارزات خلق های میهن ما ثبت است.

امروز زنان ایرانی، بخش مهم و نیرومندی از مبارزه عمومی خلق بر ضد رژیم «ولایت فقیه» را تشکیل می دهند. نقش مؤثر و فعال زنان در انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، و شکست سهمگینی که ارتجاع در مقابل جنبش مردمی متحمل شد، بار دیگر نشان داد که زنان مبارز ایرانی از چه توان و نیروی عظیمی برخوردار هستند. زنان ایرانی دوشادوش مردان برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می رزمند. زنان امروز در میهن ما از جمله اقشاری هستند که افزون بر ستم طبقاتی، مورد ستم وحشیانه جنسی رژیم «ولایت فقیه» واقع شده اند، و به همین جهت از آمادگی بالایی برای مبارزه همه جانبه با رژیم برخوردارند. سازماندهی مبارزه زنان امروز یکی از مهم ترین وظایف نیروهای مترقی، از جمله زنان توده ای است. برگزاری مراسم هشتم مارس، در اوج استبداد ولایت فقیه، در گوشه و کنار ایران در سال گذشته، و تشکیل دهها گروه زنان، نشانگر مبارزه قهرمانه زنان ایرانی است. توده ای ها همچون پنجاه و هفت سال گذشته، تمام توان خود را برای تقویت و ارتقاء کیفی و کمی این مبارزه، به کار خواهند گرفت.

سفر با ارابه صبح

وقتی مرا به مهر تو آواز می کنی
وقتی پرند قصه ام آغاز می کنی

سر می نهی به شانه من گیسوان به ناز
آهسته باز می کنی اعجاز می کنی

وقتی به جان تلاوت این عشق ماندنی است
وقتی که شوق بوسه مهر تو خواندنی است

سوگند می خورم که به ارابه های صبح
این عشق تا کرانه خورشید راندنی است

ایرج

ادامه پنجاه و هفت سال مبارزه در راه سازماندهی ...

دانشجویی کشور و پیوند خوردن آن با جنبش عمومی خلق، در هراسند، و از همین رو است که ارگان های امنیتی پی گرد در دانشگاه ها را تشدید کرده اند. جوانان و دانشجویان توده ای، در پایبندی به سنن غنی مبارزه پنجاه و هفت ساله حزب شان، امروز نیز در کنار جوانان و دانشجویان مترقی ایران، برای دستیابی به حقوق شان، برای آزادی و عدالت اجتماعی، بر ضد ارتجاع، واپسگرایی و جنگ طلبی، و برای آینده ثی روشن و رها از زنجیرهای استبداد قرون وسطایی، می رزمند. این رزم تا پیروزی نهائی همچنان ادامه خواهد یافت.

پنجاه و هفت سال مبارزه در راه سازماندهی جوانان و دانشجویان

«تجربه مبارزه تاریخ معاصر کشور ما و ده ها کشور دیگر علیه استعمار، امپریالیسم و استبداد، نشان داده است که مبارزه جوانان و دانشجویان بخش مهمی از پیکار عمومی خلق در راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است و از این روست که نیروهای مستمر، همواره به جوانان و دانشجویان به عنوان یک خصم جدی نگریسته اند و از تمام توان خود برای سرکوب جنبش های دانشجویی بهره جسته اند.» از پیام چهارمین کنگره حزب توده ایران به جوانان و دانشجویان - بهمن ماه ۱۳۷۶

حزب توده ایران، یک سال و نیم پس از تأسیس خود، با توجه به این گفته‌نیلین که: «ما حزب آینده ایم. آینده به نسل جوان تعلق دارد که با اشتیاق فراوان، از نوآوران پیروی می کند.» برای سازماندهی مبارزه جوانان و تربیت نسل آینده توده ای، در اول فروردین ماه ۱۳۲۲، سازمان جوانان توده ایران را بنیاد نهاد. تشکیل سازمان جوانان توده ایران، به عنوان نخستین سازمان صنفی - سیاسی نسل جوان، تحول عظیمی در زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوانان میهن ما بود. حزب توده ایران، به دلیل اهمیت نقش روشنفکران، و به ویژه دانشجویان، در اشاعه دانش انقلابی، از همان آغاز به فعالیت برای شکل و سازماندهی جوانان و دانشجویان اهمیت خاصی قایل بود، و در نسل جوان کشور نیروی بالقوه عظیمی را می دید که می تواند نقش مهمی در پیکار بر ضد ارتجاع، استعمار و امپریالیسم ایفاء کند. مهم ترین فعالیت های حزب در عرصه های کار در میان جوانان و دانشجویان را، در آغاز مبارزه حزب در جامعه، می توان در چهار عرصه اساسی زیر دسته بندی کرد:

۱. آشنا کردن دانشجویان به حقوق سیاسی و صنفی، و کوشش در جهت ایجاد

تشکل های صنفی دانشجویی؛

۲. آگاهی دادن در جهت ارتقاء سطح دانش علمی و آشنایی با آخرین دستاوردهای

علمی جهان؛

۳. اشاعه اندیشه های دوران ساز سوسیالیسم علمی در میان دانشجویان و جوانان؛

۴. پیوند زدن مبارزه جوانان دانشجو با مبارزه خلق و زحمتکشان؛

انتشار ده ها نشریه و جزوه برای جوانان، از جمله انتشار «رزم»، ارگان کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران، نقش مؤثر و تعیین کننده ای در سازماندهی جوانان داشت. توده ای ها توانستند با سازماندهی جوانان و دانشجویان، نیروی اجتماعی بزرگی را به صحنه مبارزه کشانده و تأثیر مهمی در تحولات روز میهن ما برجای گذارند.

اعتصاب دانشجویان دانشکده پزشکی تهران و سایر دانشکده ها، برای همبستگی با اعتصاب کارگران کارخانه نساجی شهر «شاهی»، که منجر به شهادت پنج کارگر انقلابی، توسط نیروهای انتظامی شده بود (اردیبهشت ۱۳۲۹)؛ تشکیل جمعیت ایرانی هوادار صلح با شرکت وسیع جوانان و دانشجویان (خرداد ۱۳۲۹) که با استقبال شدید اقشار مختلف جامعه روبرو شد؛ سازماندهی تظاهرات وسیع دانشجویان تهران در تهران، برای خروج استعمارگران انگلیسی از ایران (آذر ۱۳۲۹)؛ همبستگی وسیع سازمان ها و تشکل های دانشجویی در تهران و شهرستانها با اعتصاب گسترده کارگران نفت بندر معشور (اسفند ۱۳۲۹)؛ تشکیل کانون جوانان دموکرات ایران (فروردین ۱۳۳۰)؛ تظاهرات وسیع دانشجویان و دانش آموزان بر ضد دربار و ارتجاع که منجر به قتل عده ای از دانشجویان و دانش آموزان توسط نیروهای انتظامی و چماقداران درباری، به سرکردگی شعبان جعفری (بی مخ) شد (۱۴ آذر ۱۳۳۰)؛ اقدام انقلابی جوانان و دانشجویان در تظاهرات ۲۳ تیر ۱۳۳۰، در اعتراض به ورود هریمن، مشاور مخصوص ترومن، به تهران؛ حرکت انقلابی در تظاهرات ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱، بر ضد حکومت قوام؛ تظاهرات ۱۶ آذر ۱۳۳۲، در اعتراض به سفر نیکسون، معاون رئیس جمهوری وقت آمریکا به ایران. روز ۱۶ آذر به دلیل شهادت دو تن از اعضای رهبری سازمان جوانان توده ایران و یکی از دانشجویان طرفدار دکتر مصدق، جایگاه ویژه ای در تاریخ مبارزات دانشجویی کشور دارد، و روزی است که شعار حزب توده ایران، یعنی: «اتحاد، مبارزه و پیروزی»، به پرچم مبارزاتی جنبش دانشجویی کشور بدل شد. در اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران در این باره از جمله آمده است: «هنوز خون دانشجویان دلاور توده ای - مصدقی: شهید؛ بزرگ نیا، شریعت رضوی و قندچی که در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» را سر دادند، بر سنگفرش ها خشک نشده است و هنوز طنین این

شعار لرزه بر اندام گزمگان ارتجاع و استبداد می اندازد. سنگرهای انقلاب بهمن و شرکت وسیع و گسترده دانشجویان در نبرد برای سرنگونی رژیم ستم شاهی، نمونه درخشان دیگری از اهمیت و رزمندگی جوانان و دانشجویان میهن ما، در تاریخ معاصر ایران است.» (از پیام چهارمین کنگره حزب توده ایران به جوانان و دانشجویان کشور).

مبارزه جوانان و دانشجویان انقلابی، پس از کودتای ۲۸ مرداد، در داخل و خارج از کشور ادامه یافت. درون کشور، جنبش دانشجویی در مصاف های گوناگون، نقش ارزنده ای در پیشبرد جنبش آزادی خواهانه کشور ایفاء کرد. نقش جوانان و دانشجویان در قیام های مردمی، از جمله تظاهرات وسیع مردم در خرداد ۱۳۴۲، و سپس رشد و پیدایش جنبش چریکی در دانشگاه های کشور، در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه، از جمله نمونه هائی هستند که می توان برشمرد. توده ای ها در این دوران نیز تمام توان و امکانات خود را برای پیشبرد جنبش به کار بردند. به ابتکار جوانان توده ای خارج از کشور، «کنفدراسیون دانشجویان ایرانی»، در سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰)، به عنوان یک سازمان سراسری دانشجویی در خارج از ایران تشکیل، و در کوتاه زمانی توانست بخش عمده ای از دانشجویان ایرانی را زیر پوشش خود قرار دهد، و کارزار بزرگی را در افشای رژیم شاه در خارج از کشور سازماندهی کند. اعتصاب غذای وسیع دانشجویان مقیم خارج به مناسبت صدور احکام محکومیت ۱۴ نفر متهمین حادثه تیراندازی به شاه در کاخ مرمر، در آبان ۱۳۴۴، و اعتراض های وسیع و اعتصاب غذا به هنگام صدور احکام رفقا خاوری و حکمت جو در خارج از کشور، که موج گسترده ای از همبستگی در سراسر کشور های جهان در پی داشت، و سرانجام رژیم شاه را مجبور به تجدید نظر در احکام صادره کرد، از جمله نمونه های موفق پیکار جوانان و دانشجویان در خارج از کشور است. در درون کشور، نیز نسل جوان توده ای، با توجه به خفقان شدید و سلطه پلیسی ساواک، در اشکال مختلف به عرصه مبارزه آمد. مبارزه اسطوره ای رفیق هوشنگ تیرابی، در اواخر دهه چهل، در محافل دانشجویی، و شهادت او در سال ۱۳۵۳، مبارزه گروه منشعب از سازمان چریکها، شهادت رفیق تورج حیدری بیگون، در مهر ۱۳۵۵، و تشکیل سازمان انقلابی و زیرزمینی نوید، توسط رزمندگان جوان توده ای در درون کشور، از جمله رفیق شهید حیدر مهرگان (رحمان هاتفی)، از نمونه های بارز ادامه حضور و نقش فعال حزب توده ایران در عرصه پیکار جوان و دانشجویان است.

جوانان و دانشجویان توده ای، به همراه دیگر نیروهای مترقی، فعالانه در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ شرکت کردند. شرکت مؤثر و کلیدی جوانان و دانشجویان، از جمله توده ای ها، در سنگرهای پیکار مسلحانه در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن، از جمله نمونه های مهم و درخشان فعالیت جوانان در جنبش انقلابی میهن ماست. دانشجویان و جوانان، با یک دنیا امید و آرزو برای آینده ای روشن، برای آزادی و عدالت، در انقلاب شرکت کردند، و جانفشانی ها کردند و از نخستین اقشار جامعه بودند که مورد تهاجم ارتجاع واقع شدند. یورش به دانشگاه های کشور با شعار «انقلاب فرهنگی» و به سردمداری بنی صدر، رئیس جمهوری وقت رژیم جمهوری اسلامی، و سپس بستن دانشگاه ها، پاکسازی های وسیع، دستگیری ها و کشتار صدها تن از جوانان و دانشجویان مبارز، از جمله رفیق شهید کیومرث زرنشاس، دبیر اول سازمان جوانان توده ایران، و رفیق رضی الدین تابان، رهبر سازمان جوانان و دانشجویان پیشگام، نشانگر هراس عمیق ارتجاع و مستبدان از جنبش دانشجویی کشور است. امروز نیز با وجود همه ترندها، پاکسازی ها و فشارها، محیط های دانشجویی، یکی از مراکز عمده مبارزه بر ضد رژیم «ولایت فقیه» است. نقش وسیع و مهم جوانان و دانشجویان در پیروزی دوم خرداد، و تودهنی تاریخی به «ولی فقیه» و نامزد انتخاباتی او، و گسترش مبارزه در ابعاد بی سابقه در محیط های دانشجویی، در سال گذشته، بار دیگر اهمیت حضور جوانان و دانشجویان را در تحولات سیاسی کشور نشان می دهد. در سال گذشته دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور، شاهد دهها برخورد و درگیری بین دانشجویان و گزمگان و چماقداران رژیم بوده است. سران رژیم، سخت از سر بلند کردن مجدد جنبش

روشنفکران، نویسندگان، شاعران، هنرمندان و حزب توده ایران

شاه، به سبب تمایل به حکومت نازی، توسط متفقین (از جمله انگلستان، که خود برکننده رضا خان به تخت سلطنت بود)، و رهایی پنجاه و سه نفر از زندان (بجز دکتر تقی ارانی که در زندان بدست عمال رضا شاه به قتل رسید)، و تاسیس حزب توده ایران با الهام از اندیشه های مارکسیستی-لنینیستی و هدایت های روشنفکر و اندیشمند برجسته دکتر ارانی، فضایی امید بخش در کشور به وجود آمد. حزب تازه تولد، که وارث سنن مبارزاتی سوسیال دموکرات های انقلابی ایران، حزب «اجتماعیون عامیون»، که نقش و تاثیر قاطعی در مبارزه برای مشروطیت داشت، و «حزب کمونیست ایران» بود، و نیز تاثیر نمونه جامعه نو سوسیالیستی در اتحاد شوروی، موجب شد که روشنفکران و هنرمندان ایرانی به حزب توده ایران جذب شوند. آرمان ها و برنامه حزب توده ایران، که در ترکیب بنیانگذاران نخستین آن، چهره های برجسته روشنفکری و هنری آن دوران حضور داشتند، با آرمان ها و جهان بینی هنری نویسندگان، شاعران و هنرمندان مردم دوست و انسان گرا و ایدئولوژی روشنفکران عدالت جو و ظلم ستیز همخوان بود. این روشنفکران، در وجود حزب توده ایران یابوری صمیمی یافتند که با نفوذ رو به گسترش خود در میان توده ها و زحمتکشان شهر و روستا، برای آنان نیز تکیه گاهی مطمئن فراهم می ساخت. برخی از این روشنفکران که در آن دوران، با جهد شخصی خود با مارکسیسم آشنا شده بودند، تجلی عملی و تطبیق خلاق آن را با شرایط ویژه و پیچیده جامعه ایران، در فعالیت ها و مبارزات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی حزب عیان دیدند.

نویسندگان، شاعران و هنرمندان، چه به عنوان فرد، در جهت نشر آثار آفرینشگرانه خود در رشته های گوناگون خلاقیت های هنری و مشاهده و بررسی بازتاب آن آثار در جامعه، و چه به عنوان جمعی، با منافع ویژه خود، که بارزترین آن ضرورت نهادی شدن آزادی بیان بود، از یاری های حزب توده ایران برخوردار شدند. بی سبب نبود که کلوب حزب محل تجمع روشنفکران و هنرمندان نخبه آن روز ایران، بود. با استفاده از ارتباطات خود با احزاب برادر در سراسر جهان، استعداد های ایرانی را با جلوه ها و نمودهای برجسته فرهنگی و هنری ملت های جهان، و بالعکس، از نزدیک و بلاواسطه آشنا ساخت، و با حمایت مادی و معنوی خود موجب پا گرفتن نشریات ادبی-هنری گونه گونی شد که در رشد ادبیات و هنر معاصر میهن، تاثیرات تعیین کننده ای برجای گذاشتند. داستان نویسی و شعر نو ایران، گذشته از حکم ضرورت زمان، و بنا به محتوای نو، مترقی و انسانی خود به میان مردم رفت و مورد استقبال قرار گرفت و بالنده شد. تئاتر نوجان تازه بی گرفت، نقاشی و موسیقی به مضامین بدیع روی آوردند، و اینها همه، همزمان و در کنار فعالیت های گسترده فرهنگی حزب بود. بر اثر فعالیت های بی وقفه زحمتکشان در جهت دستیابی به حقوق خود، و تامین آینده بی بهتر برای کشور، که سخنگوی بخش عمده، فعال و مؤثر آن، حزب توده ایران بود، بستر مناسب اجتماعی و فرهنگی برای پیدایش مطبوعات مستقل به وجود آمد، که به رشد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مردم کمک کرد و به مجموعه نیروهای مردمی در مبارزه خود با استبداد حاکم و استعمار خارجی حامی آن افزود، و اثرات عوامفریبی های مطبوعات وابسته به محافل درباری و استعماری که از امکانات مالی فراوان و حمایت های دولتی برخوردار بودند، خنثی و نقش برآب گردید. نیز در همین بستر مناسب بود که، همراه ایجاد تشکل های صنفی گوناگون در قالب شورای متحد کارگری، تشکل های صنفی اعضای زحمتکش و میهن دوست جامعه مطبوعات، که بخش مهم و جدائی ناپذیری از مجموعه متنوع روشنفکری و هنری کشور بودند، تقویت گردید.

ادامه در صفحه ۲

«ناقوس...»
در تاروپود بافته ی خلق می دود
با هر نوای نغزش رازی نهفته را
تعبیر می کند.
از هر نوایش
این نکته گشته فاش
کاین کهنه دستگاه
تعبیر می کند.»
نیما یوشیج

کمتر حزبی را در ایران می توان شناخت که پیوند ساختاری و آرمانی بنیادینی همچون پیوند حزب توده ایران با روشنفکران، نویسندگان، شاعران و هنرمندان، داشته باشد. این همخوانی و پیوند علل گوناگونی دارد، اما از دلایل اساسی تر می توان یکی به آرمان ستیزی با حکومت های ستمگر-که همواره بر میهن ما سلطه داشته اند- و عدالت جوئی شاعران، نویسندگان و روشنفکران، از گذشته های دور تا به امروز، توجه کرد. ظلم ستیزی و عدالت جوئی در طول تاریخ مدون اندیشه و ادب ما، سنتی پایدار بوده است. صرف نظر از مدیحه سرائی، که تاریخ مصرف کوتاه زمان، و از برای رفع نیاز روزمره شعرا و نویسندگان- از جمله استنساخ آثار خلاقه شان که امکانات آن تماما در اختیار دربارها و دستگاه های حکومتی بوده است- جانمایه آثار هنرمندان ما پرستش زیبایی های انسان و طبیعت (که خود جلوه دیگری از عدالت جوئی بود) و ظلم ستیزی بوده است. و این، بویژه در آثار روشنفکر-هنرمند عارف نمودی بارز داشته است. در آثار حافظ که شهره به سرودن غزل های ناب بوده، مضامین بسیاری از غزل ها امید بستن بر «منهج عدل» و بیزاری سرمستانه از ربای زهاد حاکم (بر زندگی مادی و معنوی توده ها) و محبتسبان شان است. روند این گونه مضامین تا دوران مبارزه برای مشروطیت، که هنر و ادبیات معاصر بشدت متأثر از آن بود، و نیز تا به امروز، که ادبیات و هنر از نظر اسلوب و جهان بینی هنری از آن تاثرات سنتی فاصله می گیرند، ادامه دارد. اما وجه دیگر این پیوند که جنبه های عینی اجتماعی بیشتری در آن ملحوظ است، جنبش گسترش یابنده مطالباتی زحمتکشان، متناسب با اوضاع نوین جامعه، است. رخدادی که در تاریخ نه چندان دور مبارزه زحمتکشان میهن ما روی داد، مثالی نمادین برای این وجه پیوند است: در تیرماه ۱۲۸۶ شمسی، هنگامی که محافل ارتجاعی، چاپ روزنامه های مترقی «جبل المین» و «صور اسرافیل» را قذغن کردند، کارگران همه مطبعه های تهران همراه کارکنان آن روزنامه ها، اعتصاب چهار روزه اعلام کردند. این اعتصاب، بعد از اعتصاب همگانی کارگران چاپخانه های تهران به نشانه همبستگی با همکار حروفچین خود که به دلیل حروفچینی یک روزنامه قذغن شده توسط وزارت معارف، از دست وزیر «انطباعات» سبلی خورده بود، و به دنبال آن، وزیر مجبور به عذر خواهی از کارگر حروفچین و پرداخت غرامت به وی شد، و نیز پس از اعتصاب موفق کارگران چاپخانه های تهران برای تقلیل ساعت کار از ۱۴ ساعت به ۱۰ ساعت در سال ۱۲۸۵، تحت رهبری اتحادیه کارگران چاپخانه (تاسیس در آذر ۱۲۸۴)، مؤثرترین اعتصاب بود. هدف این اعتصاب از مطالبات صنفی فراتر می رفت و آزادی بیان را منظور نظر قرار می داد. نکته مهم در این رخدادها، پیوند طبیعی حرکت کارگران با خواست های صنفی معین، و مبارزه برای آزادی بیان است. آزادی بیان، از دیرباز جزو جدائی ناپذیر و پایه ای آرمان انقلابیون مشروطه خواه، فعالان حزب «اجتماعیون عامیون» و «حزب کمونیست» بود و رخدادهایی از آن دست که ذکر آن رفت نیز محدود به آن یک نمونه نبود که پیوند طبیعی جنبش زحمتکشان با روشنفکران و نویسندگان عدالت جو را متجلی می ساخت. پس از عزل و تبعید رضا

29 September 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۲۹ -

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:541

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>